



واحد بین الملل

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی روانشناسی بالینی

پیش بینی رضایت زناشویی زنان بر اساس رضایت جنسی،
ناگویی هیجانی و تصویربدنی

به وسیله‌ی

الهام امانی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر نوراله محمدی

بهمن 1391



به نام خدا

اظہارنامہ

اینجانب الہام امانی (899486) دانشجوی رشته‌ی روانشناسی گرایش بالینی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی اظہار می‌کنم کہ این پایان نامہ حاصل پژوهش خودم بودہ و در جاهایی کہ از منابع دیگران استفادہ کردہ‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشتہ‌ام. همچنین اظہار می‌کنم کہ تحقیق و موضوع پایان نامہ‌ام تکراری نیست و تعہد می‌نمایم کہ بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننمودہ و یا در اختیار غیر قرار ندم. کلیہ حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامہ مالکیت فکری و معنوی متعلق بہ دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: الہام امانی

تاریخ و امضاء: 1391/12/12



به نام خدا

پیش بینی رضایت زناشویی زنان بر اساس رضایت جنسی
تصویر بدنی و ناگویی هیجانی

به کوشش

الهام امانی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

روانشناسی بالینی

از واحد بین الملل

دانشگاه شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی کمیته پایان نامه، با درجه: عالی

دکتر نوراله محمدی، دانشیار بخش روانشناسی بالینی (استاد راهنما).....

دکتر عبدالعزیز افلاک سیر، استادیار بخش روانشناسی بالینی.....

دکتر چنگیز رحیمی، استادیار بخش روانشناسی بالینی.....

۱۳۹۱ بهمن

تقدیم به

مادرم که مهرش در دلم گرامی و مقدس است،

به پدرم که مهرش بنایی شد برای تلاش پر شورم در کسب دانش،

از شما سپاسگزارم برای آن اشتیاق که احساس مسئولیت نسبت به همنوع را در من

شعله ور می‌سازد، شما به من زندگی و عشق را ارزانی داشتید.

اما فراتر از همه،

شما دلیلی بودید برای آنچه که امروز از زندگی خواهم.

سپاسگزاری

اکنون که این پایان نامه به اتمام رسیده است بر خود لازم می دانم که از استاد راهنمای عزیزم جناب آقای دکتر نوراله محمدی به خاطر راهنمایی های ارزنده شان تشکر و قدردانی نمایم.

و همچنین از اساتید مشاورم ، جناب آقای دکتر افلاک سیر و جناب آقای دکتر رحیمی، که مرا در تمام مراحل این پایان نامه یاری رسانده اند تشکر می نمایم.

چکیده

پیش بینی رضایت زناشویی زنان توسط تصویر بدنی، رضایت جنسی و ابعاد ناگویی هیجانی

به کوشش

الهام امانی

مقدمه: رضایت زناشویی یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است که عوامل مهمی از جمله رضایت از رابطه جنسی، کاهش ابراز هیجان‌ات و آسیب در ظرفیت پردازش هیجانی (عدم احساس همدلی، ناتوانی در ابراز دقیق و صحیح هیجانها، تشخیص هیجانها)، و نگرش مثبت یا منفی نسبت به تصویر بدنی در آن نقش دارد. بنابر این مطالعه با هدف پیش بینی رضایت زناشویی زنان، بر اساس تصویر بدنی، رضایت جنسی و ابعاد ناگویی هیجانی، انجام شد.

روش: آزمودنیها 120 دانشجوی زن متأهل در رده سنی 19-50 ساله در دانشگاههای شهرستان اقلید بودند که با تکمیل پرسشنامه های تصویر بدنی فیشر، رضایت جنسی (یاوری کرمانی)، ناگویی هیجانی تورنتو و رضایت زناشویی انریچ، در این پژوهش شرکت کردند. روش نمونه گیری در دسترس بود. برای تحلیل داده های پژوهش تحلیل رگرسیون به کار برده شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که تصویر بدنی، رضایت جنسی و ابعاد ناگویی هیجانی می توانند به طور معناداری رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که رضایت جنسی نیرو مندترین متغیر در پیش بینی رضایت زناشویی است.

نتیجه گیری: رضایت زناشویی به عنوان یک ملاک مناسب برای سلامت روانی زیر تاثیر تصویر بدنی، رضایت جنسی، و ناگویی هیجانی است.

کلید واژه: تصویر بدن، رضایت جنسی، ناگویی هیجانی، رضایت زناشویی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : کلیات
2	1-1 مقدمه
8	2-1 بیان مسأله
9	3-1 اهداف پژوهش
9	4-1 ضرورت و اهمیت پژوهش
10	5-1 فرضیه های پژوهش
10	6-1 تعریف های مفهومی و عملیاتی
10	1-6-1 رضایت جنسی
10	2-6-1 تصویر بدن
11	3-6-1 رضایت زناشویی
11	4-6-1 ناگویی هیجانی

فصل دوم: مبانی نظری

13	1-2 مفهوم ناگویی یا نارسایی هیجانی
15	1-1-2 تدوین های معاصر درباره مفهوم نارسایی هیجانی
18	2-1-2 ناگویی هیجانی ثانوی
20	3-1-2 ناگویی هیجانی و مکانیزهای دفاعی
21	4-1-2 سازه های روان شناختی مرتبط با ناگویی هیجانی
21	5-1-2 مشخصه ناگویی هیجانی از دیدگاه تجربی
23	6-1-2 خصوصیات شخصیتی مرتبط با ناگویی هیجانی
24	7-1-2 سبب شناسی ناگویی هیجانی
25	1-7-1-2 عامل های روان شناختی
27	2-7-1-2 عامل های زیستی و ژنتیکی
28	2-2 تصویر بدن
29	1-2-2 تئوری های نارضایتی بدنی

- 30 1-1-2-2 عقاید کنترل شخصی و نارضایتی بدنی
- 30 2-1-2-2 تئوری خود – اختلافی
- 31 3-1-2-2 تئوری طرحواره خود
- 32 4-1-2-2 تئوری شی انگاری
- 33 5-1-2-2 تئوری فمینیست
- 34 6-1-2-2 مدل شناختی – رفتاری
- 34 2-2-2 عوامل موثر بر تصویر بدنی
- 35 1-2-2-2 عامل های بیولوژیکی
- 35 1-1-2-2-2 جنسیت
- 36 2-1-2-2-2 سن
- 39 3-1-2-2-2 شاخص حجم بدنی (BMI)
- 40 4-1-2-2-2 نژاد و تصویر بدنی
- 44 3-2-2 عامل های روان شناختی
- 44 1-3-2-2 اعتماد به نفس
- 45 2-3-2-2 عاطفه منفی
- 46 4-2-2 اثر های بین فردی
- 46 1-4-2-2 خانواده
- 48 2-4-2-2 دوستان
- 49 5-2-2 عامل های فرهنگی – محیطی
- 50 1-5-2-2 حالت ها و موقعیت های اجتماعی – اقتصادی
- 51 2-5-2-2 تاثیر رسانه ها
- 51 3-2-3 تمایلات جنسی
- 53 1-3-2 رضایت جنسی
- 54 2-3-2 مبانی نظری
- 55 1-2-3-2 نظریه اریک فروم
- 56 2-2-3-2 نظریه فرانکل
- 56 3-2-3-2 نظریه هورنای
- 56 4-2-3-2 نظریه فمینیستی
- 57 3-3-2 رضایت جنسی و متغیر های فردی
- 62 4-3-2 رضایت جنسی و متغیر های ارتباطی
- 65 4-2 رضایت زناشویی
- 66 1-4-2 تئوریهای رضایت زناشویی

68	2-4-2 عوامل موثر بر رضایت زناشویی
69	1-2-4-2 مهارت های ارتباطی
70	2-2-4-2 تقابل
70	3-2-4-2 حل تعارض
72	4-2-4-2 عوامل شناختی
72	5-2-4-2 صمیمیت
73	6-2-4-2 عملکرد جنسی
74	7-2-4-2 ویژگی های شخصیتی
75	8-2-4-2 بهداشت روانی و جسمی
76	9-2-4-2 مسایل مالی
76	10-4-2 ایفای نقش
77	11-4-2 فرزندان
78	12-4-2 مذهب
78	13-4-2 رویدادهای زندگی
79	2-5 پیشینه پژوهش
79	1-5-2 پژوهش های خارجی
84	2-5-2 پژوهش های داخلی

فصل سوم: روش پژوهش

86	1-3 روش پژوهش
86	2-3 جامعه آماری ، روش نمونه گیری و حجم نمونه
87	3-3 ابزارهای پژوهش
87	1-3-3 مقیاس رضایت جنسی
88	2-3-3 پرسشنامه تصویر تن فیشر
88	3-3-3 مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو
90	4-3-3 مقیاس رضایت زناشویی انریچ
91	4-3 اجرا و جمع آوری داده ها
92	5-3 روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل چهارم: یافته های توصیفی

94	1-مقدمه
94	1-4 یافته های توصیفی

2-4 یافته های استنباطی 96

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

102 1-مقدمه
102 1-5 بحث در مورد یافته ها
102 1-1-5 یافته اول
104 2-1-5 یافته دوم
105 3-1-5 یافته سوم
108 4-1-5 یافته چهارم:
110 2-5 نتیجه گیری
111 3-5 محدودیتها
111 4-5 پیشنهادها
113 منابع وماخذ

فهرست جدول ها

عنوان

صفحه

جدول 1-4 نمرات کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف استاندارد مربوط به	
متغیرهای مورد پژوهش	94
جدول 2-4 فروانی و درصد مربوط به تحصیلات و ازدواجهای فامیلی و غیر فامیلی	95
جدول 3-4- ضریب رگرسیون رضایت زناشویی بر اساس تصویر بدنی	96
جدول 4-4- ضریب پیش بینی رضایت زناشویی از روی تصویر بدنی	96
جدول شماره 4-5- ضریب رگرسیون رضایت زناشویی بر اساس رضایت جنسی	97
جدول شماره 4-6- ضریب پیش بینی رضایت زناشویی از روی رضایت جنسی	97
جدول شماره 4-7- ضریب رگرسیون رضایت زناشویی بر اساس ابعاد ناگویی	
هیجانی	98
جدول 4-8- ضرایب پیش بینی رضایت زناشویی از روی ابعاد ناگویی هیجانی	99
جدول 4-9- ضریب رگرسیون رضایت زناشویی بر اساس متغیرهای پیش بین	100
جدول 10- ضریب پیش بینی رضایت زناشویی از روی متغیرهای پیش بین	100

فصل اول

مقدمه

1-1- کلیات

خانواده جوهره ای زنده و در حال تغییر است که با استفاده از اعضای خویش و در جریان ارتباطی دائمی و تعاملی و با یکدیگر یک کل را سازمان دهی می کند و در طول زمان و مکان گسترش می یابد.

خانواده به عنوان یک گروه اجتماعی دربرگیرنده بیشترین، عمیقترین و اساسیترین مناسبات انسانی است و علاوه بر آن که منبع اولیه نیازهای اساسی فرد محسوب می شود، موقعیت های متعدد را برای یادگیری و شکل گیری نگرش ها و تشکیل باورهای اساسی یک فرد فراهم می آورد که برای زندگی اجتماعی و بهره وری از میراث فرهنگی و انتقال آن حائز اهمیت است. خانواده، یک گروه صرفاً قراردادی نیست، بلکه یک واحد اجتماعی اولیه از مناسبات انسانی است و مبتنی بر پیوندهایی است که ریشه در طبیعت و فطرت انسان دارند (تاجیک اسماعیلی، 1377؛ به نقل از کجیاف، نشاط دوست و خالویی، 1384).

خانواده به عنوان یک واحد و سازمان اجتماعی دارای نقش ها و وظایف متعددی است. یک خانواده می تواند نقش تولیدی و نیز خدماتی را برای خود و تعدادی از افراد اجتماع ایفا کند. نقش آموزشی و تربیتی خانواده نیز مشخص و مسلم است. علاوه بر این نقش ها، خانواده در رفع نیازهای جسمانی و روانی اعضایش نقش غیرقابل انکاری به عهده دارد. خانواده در رابطه با نظام ارزشی جامعه نیز نقش بسیار مؤثری ایفا می کند، چرا که مهم ترین واحد انتقال دهنده ارزش ها به فرد است. در محیط خانواده، کودک نیازها و خواست های جامعه را می آموزد و این شناخت او را به گزینش رفتارهای معین و امین می دارد و شخصیت وی را غنی می سازد. اجتماعی شدن فرد از خانواده شروع می شود و با ورود به سایر گروه های اجتماعی تداوم می یابد (سیف، 1386؛ به نقل از همان منبع).

تشکیل خانواده با ازدواج آغاز می شود، ازدواج پیمان مقدسی است که در تمام اقوام و ملل و در تمامی زمانها و مکانها وجود داشته است. سنت دیرینه ای که در آن زن و مرد زندگی

مشترکی را آغاز می کنند و پیمان می بندند که یار و غم خوار یکدیگر باشند، یکدیگر را بهتر بشناسند و همدیگر را خوشبخت کنند، به یکدیگر عشق بورزند و با ازدواج به تنهایی خویش پایان دهند. دو نفر که از لحاظ جنسیت با هم متفاوت هستند متقابلاً به وسیله نیروی مرموز غریزه و عشق به یکدیگر متعهد می شوند تا یک واحد پویای مولد را شکل دهند. ازدواج به جای آنکه صرفاً پیوند دو نفر با یکدیگر باشد، معرف دگرگونی در دو خرده نظام و نظام جا افتاده خانوادگی و تکوین یک خرده نظام در داخل هریک از آنها است. به جرأت می توان گفت که نقش تخریبی یا سازنده یک خانواده در جامعه و ایفای نقش مناسب خانواده در اجتماع به کیفیت پیوند ازدواج میان زوج تشکیل دهنده آن یعنی زن و شوهر بستگی دارد. به عبارت دیگر یکی از جنبه های حیاتی یک سیستم زناشویی رضایتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می کنند. احساس رضایت از ازدواج نقش مهمی در سلامت روانی زوجین و همچنین میزان کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می کند. مسلماً زمانی زوجین به وظایف خود به طور کامل عمل خواهند کرد که احساس رضایت مندی از زندگی زناشویی خود داشته باشند. امکان توجه به تأمین نیازهای روانی، عاطفی و جسمانی فرزندان و تربیت صحیح، همه به داشتن احساس رضایت مندی از زندگی زناشویی وابسته است. احساس رضایت مندی همچنین توان مقابله در برابر مشکلات و فشارهای روانی را افزایش می دهد و سبب ارتقای سطح بهداشت روانی و جسمانی زوجین و نهایتاً افراد جامعه خواهد شد (رسول زاده طباطبایی، 1377؛ به نقل از برغندان، عنایتی و مهرابی زاده هنرمند، 1388). در طول زندگی متغیرهای گوناگون بر میزان رضایت فرد از زندگی زناشویی تأثیر می گذارد. رضایتمندی از روابط جنسی¹ از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر میزان رضایت زناشویی است. تمایلات، کششها و کیفیت زندگی جنسی انسان به اندازه ی اصل زیستن پربار و پیچیده است. در طول تاریخ انسان ها حداقل به منظور تولیدمثل و تداوم نسل خود نیازمند برقراری آمیزش جنسی بوده اند. از اینرو فعالیت جنسی بعنوان یکی از ابعاد مهم زندگی افراد درآمده است که می تواند متأثر از ویژگیهای خود فرد، روابط بین فردی، شرایط خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی، محیط، سوابق فعالیت های جنسی وی و همسر، سلامت جسمی و روانی و وضعیت هورمونی فرد قرارگیرد

1. sexual satisfaction

(فورکوری¹، 2003؛ به نقل از توکل، میر مولایی، مومنی موحد و منصوری، 1390). لذت جنسی از مهمترین لذت هایی است که یک فرد در طول عمر خود از آن بهره مند می شود و این لذت است که سختی های زندگی و مشکلات بین زوجین را قابل تحمل می نماید. به این خاطر است که محققین معتقدند که رضایت از رابطه زناشویی همواره در گرو رضایت از رابطه جنسی است (اصغری، 2002؛ به نقل از توکل و همکاران، 1390). تحقیقات متعددی که در مورد عوامل مرتبط با ازدواج انجام گرفته است، نشان می دهد که مسایل جنسی از لحاظ اهمیت در ردیف مسایل درجه اول زوجین قرار دارد (یانگ و لوکوییز²، 1998؛ به نقل از توکل و همکاران، 1390). نارضایتی از رابطه جنسی، می تواند بر مشکلات عمیق در روابط زوجین و ایجاد تنفر از همسر، دلخوری، حسادت، رقابت، حس انتقام گیری، احساس تحقیر، احساس عدم اعتماد به نفس و نظایر آنها منجر شود. این مسایل توسط تنش ها و اختلافات، تقویت شده یا در قالب آنها تجلی و بروز مییابد و به تدریج شکاف بین همسران را عمیق تر می سازد (کریستوفر و اسپریچر³، 2000؛ به نقل از هنر پروران، تبریزی، نوایی نژاد و شفیع آبادی، 1389). رابطه جنسی اگر به گونه ای درست عمل شود می تواند در خدمت تفاهم و مهر و بحث زوجین قرار گیرد و اگر به هر دلیلی روابط جنسی به گونه ای ایجاد شود که یکی از زوجین یا هر دو ناراضی باشند امکان فروپاشی زندگی زناشویی بیشتر می شود.

یکی از ویژگی های مهم زندگی متعادل، سرمایه گذاری انسانی یا داد و ستد هیجانی بین زوجین است. در هیچ مرحله ای از مراحل زندگی نمی توان احساس بی نیازی از عواطف کرد. تبادل عاطفی به همان اندازه که برای شروع یک زندگی امر مهمی است، برای ادامه آن نیز اهمیت دارد. بحث عواطف و هیجانات همواره در فلسفه و بعد از آن در پژوهش های روان شناختی مورد توجه بوده است. از پیشگامان علم روانشناسی کسی که بیشترین تأکید را بر نقش هیجانات در خانواده نموده است، ویرجینیا ستیر⁴ است. او به امور روزانه و تجارب هیجانی خانواده توجه می نمود. وی اعضای خانواده را در برقراری ارتباط سالم به سمت بیان هیجانات و توجه به حالات چهره ای و غیرکلامی هیجانات یکدیگر در خانواده ترغیب می نمود

¹ -Furkori

² - Yong & Luquis

³ - Christofea & Sprecher

⁴ - Virginia Satir

(جهانگیری، 1383؛ به نقل از سلیمانیان، محمدی، 1388). هنگامی که رابطه هیجان و رضایت مندی زناشویی¹ مدنظر قرار می گیرد، این پرسش کمی مطرح می شود که هیجان تا چه اندازه به عنوان مؤلفه رضایت زناشویی محسوب می شود، اگر هیجان موجب رونق ازدواج می شود چگونه بر رضایت حاصل از رابطه زناشویی تأثیر می گذارد (بنون²، 1995؛ به نقل از تیرگری، 1383). شواهد فراوان، نشان می دهد که زوجها در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی از جانب همسرشان به مشکلات فراگیر و متعددی دچارند. شواهد نشان می دهد که روابط صمیمانه زوجین نیازمند مهارتهای هیجانی³ از قبیل توجه افراد به مسائل از دید همسرانشان و توانی ادراک همدلانه آنچه که همسرانشان تجربه نموده است و همچنین حساس و آگاه بودن از عواطف او و حساس و آگاه بودن از هیجان های خود فرد بستگی دارد (گاتمن و پروتروفیلد⁴، 1976؛ به نقل از مهرانیان خامنه، برجعلی، سلیمی زاده، 1385). محققان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش احساسات و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی با احساس رضامندی بیشتری همراه است و مردان و زنانی که سطح بالایی از رضامندی و صمیمیت را در خصوص ازدواج خود گزارش می کنند در پیش بینی احساسات و باورهای شریک خود بسیار دقیق هستند (صادقی، 1380؛ به نقل از تیرگری، 1383).

هم چنین مطالعات نشان داده اند که همسران ناسازگار در شناسایی هیجان های خاص تجربه شده همسرشان، به هنگام بروز تعارض، با مشکلات ویژه ای مواجه اند. یافته ها بر این فرض اند که ادراک هیجانی اشتباه ممکن است به طور مستقیم موجب تعارض زناشویی شود و زوج های دارای توانایی ادراک هیجانی بالا ازدواجی شادتر دارند. در واقع، چنین تفاوت هایی در توانایی هیجانی به طور پایا با موضوعاتی که ممکن است به عنوان پیامد انطباقی و مطلوب زندگی محسوب شود یعنی رضامندی و ثبات زناشویی، رابطه دارند. ازدواج، فی نفسه یک زمینه غنی از هیجان است و شادکامی و رضایتمندی زناشویی با توانایی شناسایی، فهم و ادراک صحیح هیجان ها در خود و دیگران مرتبط است (به نقل از همان منبع).

¹ - marital satisfaction

² - Bennun

³ - emotional skills

⁴ - Gottman & Proterfield

بنابراین کاهش ابراز هیجانات¹ و آسیب در ظرفیت پردازش هیجانی² (عدم احساس همدلی، ناتوانی در ابراز دقیق و صحیح هیجانها، تشخیص هیجانها³) مبتنی بر ناگویی هیجانی⁴ می تواند در عدم رضایت زناشویی مؤثر باشند. زیرا افراد واجد خصوصیات الکسی تیمیک⁵ در درک احساسات خود بیان آنها و تشخیص هیجانات و عواطف دیگران دچار نارسایی می باشند و بدیهی است که چنین کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی⁶ و هیجانی در کنار عوامل متعدد دیگر اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک می گذارد.

جهان معاصر، توأم با پیشرفته‌ها و رشد عقلانی که در بطن خود ایجاد کرده توجه خود را به مسایل شخصیتی انسان متمرکزتر کرده است. مسایلی که شاید صد سال پیش از این موضوعاتی پیش پا افتاده و غیر مهم تلقی می شده. از جمله مسایل مورد بحث شخصیتی انسان که قبلاً کمتر به آن پرداخته شده است تصویر بدنی⁷ است (ساگار⁸، 2003؛ به نقل از پاشا، نادری، اکبری، 1388). برخلاف گذشته که بدن تنها در علوم زیستی و پزشکی مطالعه می شده امروزه به موضوع مورد علاقه در روانشناسی تبدیل شده و در قالب مفاهیمی مانند تصویر بدن مطالعه شده است. هر انسانی متعلق به هر عصر و دورانی که باشد اولین چیزی که در شناخت خویش با آن مواجه می شود بعد جسمانی و فیزیکی است. در واقع ظاهر فیزیکی افراد نخستین برداشت‌ها از انسان را تشکیل می دهد. به عقیده اشمیت⁹ هر شخصی یک تصویر ذهنی از بدن خودش دارد که اصلی ترین عنصر سازنده شخصیت او است. به عبارت دیگر انسانها از منابع مختلفی خود پنداره¹⁰ خاص خود را می سازند. خود پنداره ادراک کلی است از چیزی که هستیم یا به عبارتی خود پنداره تصویر کلی فرد درباره خودش است که شامل تجربیات واقعی و تفسیر این تجربیات است (اشمیت، 1980؛ به نقل از صالح زاده، فتحی رضایی، زمانی ثانی و صدر حقیقی، 1390). یکی از بخشهای مهم خود پنداره تصویر بدنی است.

1. expressed emotion

2 - emotional processing

3 - identifying emotion

4 - alexithymia

5 - alexithymic characteristics

6 - emotional competence

7 - body image

8 - Sagar

9 - Schmidt

10 - self - concept

تصور از جسم خویشتن پدیده ای عینی نیست بلکه به تجربه ذهنی فرد و ارزیابی فرد از بدن خود وابسته است (کش و پروزینسکی¹، 2000؛ به نقل از عسگری و شبکی، 1389).

علاوه بر بعد ادراکی (چگونه دیدن اندازه، شکل، وزن، چهره، حرکت و اعمالمان)، بعد نگرشی نیز وجود دارد که به این موضوع مربوط می شود که ما چه احساسی درباره این ویژگی ها داریم و چگونه این احساسها رفتارمان را هدایت می کند (گلیسون²، 2006؛ به نقل از همان منابع). بنا بر این این سازه که عنصری اساسی از شخصیت و خود پنداره هر فرد است می تواند به منبعی برای هیجانات مثبت و منفی تبدیل شود و از این طریق بر زندگی روانی و نگرش های فرد تاثیرگذار. در واقع چنانچه این تصویر مثبت باشد سبب ایجاد حس ارزشمندی در فرد می شود و چنانچه شخص از این تصویر ناراضی باشد منجر به تغییر در احساس خود ارزشمندی می شود و این تغییر، کار کردهای روزانه، روابط بین فردی، ارتباطات جنسی، و به تبع آن روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار می دهد. به بیان دیگر ظاهر فیزیکی که قسمت مهمی از تصویر بدنی است اولین منبع اطلاعاتی است که دیگران برای تعاملهای بین فردی با آن شخص استفاده می کنند. در روابط زناشویی، چنانچه این تصویر از سوی فرد منفی برداشت شود فاصله روانی میان زوجین را افزایش می دهد. زیرا زوجینی که تصویر منفی از بدن خود دارند احتمالا بیشتر شک دارند که شریکشان رابطه خود را با آنها ادامه خواهد داد یا نه و یا آنها را از لحاظ جنسی می پذیرد یا نه (فرنزیو و شیلر³، 1984؛ به نقل از ملتزر و نولتی⁴، 2010) و اضطراب بیشتری را در رابطه با رابطه رمانتیک خود احساس می کنند (کش، تریالت و آنیس⁵، 2004؛ به نقل از همان منبع). بنابراین منجر به جرات ورزی جنسی پایین (ویورز و بیرز⁶، 2006؛ به نقل از همان منبع)، و فراوانی فعالیت جنسی کم (فیت و اسکار⁷، 1993؛ به نقل از همان منبع)، می شود و زوجینی که تصویر مثبتی از بدن خود دارند بیشتر وارد فعالیتهای جنسی شده و ممکن است رضایت جنسی بیشتری را تجربه کنند، و از این رو رضایت از رابطه زناشوییشان بیشتر خواهد شد (ملتزر و نولتی، 2010).

¹ - Cach & Pruzinsky

² - Gleeson

³ - Franzoi & shields

⁴ - Meltzer & MC Nulty

⁵ - Theriault & Annis

⁶ - Weaver & Byers

⁷ - Faith & Schare

1-2- بیان مسأله

امروزه عدم رضایت جنسی علت اصلی هشتاد درصد اختلافات زناشویی است (نورانی، جنیدی، شاکری، مخبر، 1388) به گونه ای که رضایت جنسی عامل مهمی در موفقیت زندگی زناشویی محسوب می شود.

تصویر بدنی از عوامل روانشناختی است که می تواند در رضایتمندی از رابطه جنسی نقش داشته باشد. تصویر بدنی در طی فعالیت جنسی به طور غیر مستقیم در کیفیت رابطه جنسی اثر گذار می باشد زیرا ادراک شناختی پیرامون ظاهر خود می تواند عزت نفس جنسی را از بین ببرد که به عنوان یک ارزش در هنگام روابط جنسی تلقی می شود (اسچیک، کالابرس، ریما، زاگر¹، 2010).

رضایت زناشویی یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار بر رضایت جنسی است، اگر روابط کلی برای زوجها رضایت بخش نباشد روابط جنسی نیز به طور منفی برداشت می شود و تنظیمات جنسی خوب به طور کلی به روابط زناشویی خوب بر می گردد و همچنین مشکلات جنسی در حین روابط نامطلوب زناشویی ایجاد می شود (باسات²، 2004).

ناگویی هیجانی سازه ای است که اخیرا از سوی محققان به عنوان عاملی که در روابط بین فردی تاثیر می گذارد مورد توجه قرار گرفته است، این عامل از طریق تحت تاثیر قرار دادن عاطفه از تجربه هیجان و بیان هیجان جلوگیری می کند و از آنجایی که رضایت جنسی نوعی لذت بردن و لذت دادن محسوب می شود از این طریق بر رضایتمندی جنسی تاثیر می گذارد (شریعتی، قمرایی، صولتی دهکردی، مولیدی، 1389).

رضایت جنسی یکی از مهمترین عوامل خوشبختی زندگی زناشویی است و رضایت بخش نبودن آن سبب ایجاد محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می شود و این محرومیت در نهایت موجب طلاق و از هم گسستگی زندگی زناشویی می گردد. بررسی عوامل مرتبط با رضایت جنسی می تواند کمکی در جهت افزایش و بهبود آن باشد. از آنجا که رضایت زناشویی می تواند روابط جنسی را تحت تاثیر قرار دهد و تبیین کننده رضایت جنسی یا عدم رضایت

¹ - Shich , Calabres , Riam & Zucker

² - Basat